

خاطرات یک کنسول انگلیسی در شرق

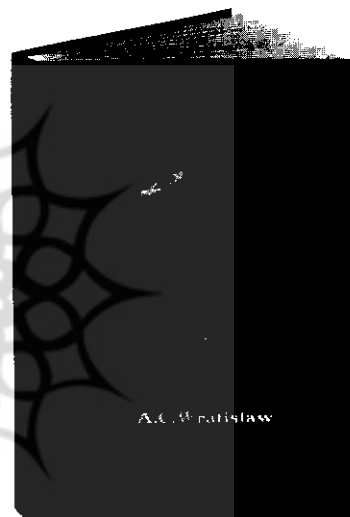
کتابی دیگر دربارهٔ مشروطه

• رجیعی کاوانی

alikavani@yahoo.co.uk

لازم است که با دید انتقادی در مطالب این کتاب نظر کرد. به نظر نگارنده مواردی در کتاب وجود دارد که درست نیست و خواننده باید هیچ مطلبی را بدون سنجش کافی و وافی نپذیرد. نویسنده کتاب آبرت چارلز راتیسلاو جنرال کنسول انگلیس در تبریز در سال‌های ۱۹۰۳ - ۱۹۰۹ م / ۱۲۸۲ - ۱۲۸۸ هـ. ق است. براساس اطلاعاتی که از آرشیو دانشجویان دانشگاه کمبریج به دست آوردم، وی در هفدهم اکتبر ۱۸۶۲ در شهر بری سنت ادموندز انگلستان به دنیا آمد. پدر پدربزرگ وی از کشور چک به انگلستان مهاجرت نموده و پدر او عالی‌جناب کشیش پروتستان هنری آبرت راتیسلاو، کشیش ناحیه مانوربیر Manorbier، بوده است. او در مدارس بری سنت ادموندز و روتسال تحصیل نمود و در چهاردهم می ۱۸۸۱ در کالج کریست کمبریج پذیرفته شد، ولی برای تحصیل به کمبریج نرفت. در ۱۸۸۳ [پس از دو سال تحصیل در قسطنطنیه] به هیأت کنسولی انگلستان در شرق مدیترانه [لوانت] پیوست و در سمت‌های مختلف دیپلماتیک و در مناطق مختلف تا اوایل ۱۹۲۰ به کار مشغول و در این سال بازنشسته گردید. به غیر از وظایفی که در متن کتاب گفته شده و در ضمن معرفی کتاب به آن‌ها اشاره خواهد شد، وی همچنین در سال‌های ۴ - ۱۹۱۳ / ۳ - ۱۲۸۲ عضو اصلی هیأت رسیدگی به اختلافات مرزی ایران و عثمانی بوده است.

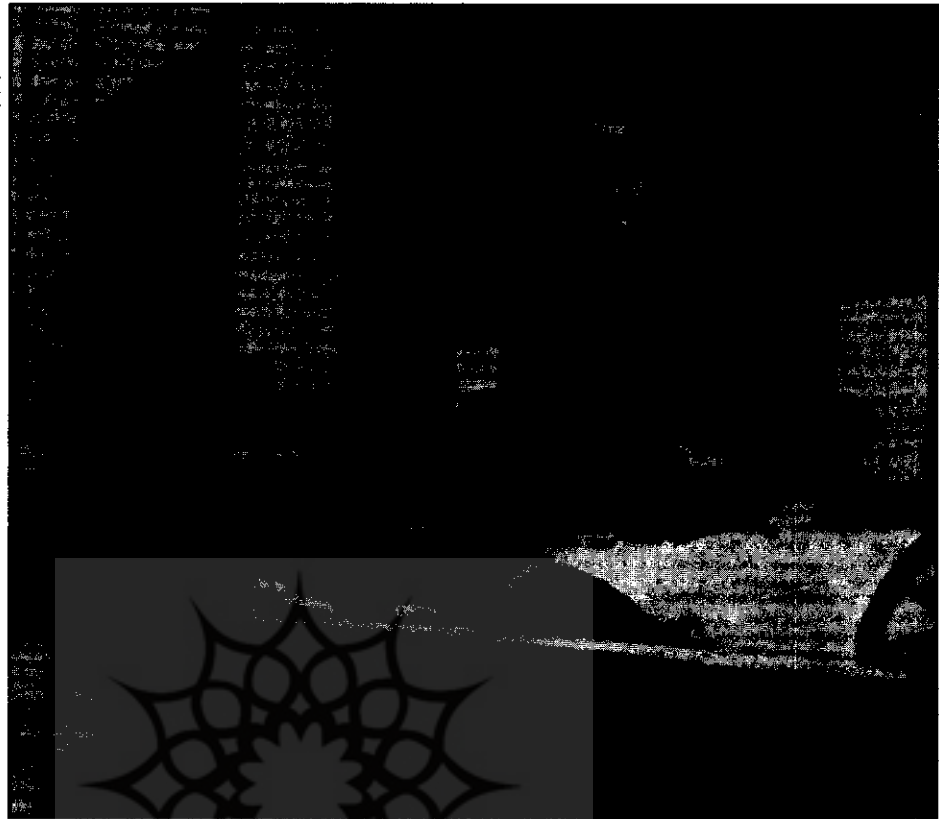
راتیسلاو در ۱۹۰۱ نشان سنت مایکل و سنت جورج را دریافت کرد. در ۱۹۰۹ به وی نشان عضویت در دسته شوالیه‌های مراسم استحمام داده شد و در نهایت در سال ۱۹۱۸ به او نشان امپراتوری بریتانیا اعطا گردید. او دوبار ازدواج نموده و از ازدواج اول فرزندی داشته و سرانجام در ۲۸ آپریل ۱۹۳۸ در گذشته است. کتاب در پانزده فصل نوشته شده و دارای بیست عکس است و در ۳۶۱ صفحه به چاپ رسیده است. فصل اول: روایت چگونگی ورود راتیسلاو به هیأت دیپلماتیک شرق مدیترانه (خاور نزدیک) است. در این جا به صورت مختصر نکات برجسته را خواهیم آورد و خوانندگان



- A Consul in the East
- By: A.C. Wratisslaw
- Publisher: William Blackwood and Sons, Edinburgh and London, 1924, pp 361

کتاب یک کنسول در شرق مشتمل بر خاطرات کنسول انگلستان از وقایع سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۹۲۰ در ایالات تابعه امپراتوری عثمانی و ایران است. بخشی از مطالب کتاب، خاطرات نویسنده به عنوان جنرال کنسول بریتانیا در تبریز از ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۹ م / ۱۲۸۲ - ۱۲۸۸ هـ. ق محسوب می‌شود که دقیقاً با اوج حوادث انقلاب مشروطه در زمان مظفردالدین شاه و استبداد صغیر محمدعلی شاه انطباق دارد. این قسمت در بردارندهٔ اخبار زیادی به ویژه از حوادث آذربایجان در این دوره است. اما

شکست انگلیسی‌ها
از بوئر‌ها در فاصله
سال‌های ۱۸۹۹ تا
۱۹۰۲ و شکست
روسیه از ژاپن در سال
۱۹۰۵ از جمله وقایع
مؤثر در وقوع انقلاب
مشروطه ایران بودند



گذاشته بودند، برخورد کرده و حتی آنان را کتک می‌زده است که نشان‌دهنده اوج ضعف امپراتوری عثمانی در دهه‌های آخر عمر آن است.

فصل سوم: بازگشت به قسطنطنیه و ادامه کارآموزی، توصیف سفر از قسطنطنیه به ترابوزان باکشتی، هیئت‌های تبلیغی موجود در کشتی، از ترابوزان به ارزروم، به دست گرفتن سرپرستی کنسولگری ارزروم، توصیف ژاندارم‌های ترک و سلاح‌ها و فشنگ‌های آنان، نوع خانه‌ها، نوع مواد سوختی و هزینه زندگی، توصیف میسیون‌های مختلف مذهبی، روش جنرال کنسول ایرانی برای کسب درآمد، شکار و حیوانات گوناگون هر منطقه، تعداد جمعیت ارزروم.

فصل چهارم: توصیف مقامات ترک معاشر با کنسول، شکار خرس، نحوه مهمانی دادن ترکان، جنگ شتر برگزار شده به وسیله جنرال کنسول ایران و دعوت از کنسول انگلیس و روس [پروبرانگسکی] برای دیدار از آن، نوع بیماری‌های موجود در شهر، اصلاحاتی که قرار بوده تحت نظر انگلستان در عثمانی انجام پذیرد، ریشه‌های مسئله آرامنه، روس‌ها و اتریشی‌ها و انگلیسی‌ها و بازرسی از استحکامات نظامی عثمانی‌ها، پایان مأموریت در ارزروم و بازگشت به قسطنطنیه.

فصل پنجم: انتصاب به مقام نایب کنسول در ازمیر در ۱۸۸۸، توصیف جمعیت ازمیر، محصولات کشاورزی، خطوط آهن،

محترم می‌توانند برای مطالعه بیشتر و دقت در جزئیات به اصل کتاب مراجعه کنند.

سال ۱۸۸۱، ثبت‌نام در آزمون دانشجویان ترجمه شفاهی در شرق مدیترانه؛ سال ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۳، رفتن به فرانسه و ایتالیا و اسپانیا برای آموختن یا تکمیل زبان این کشورها؛ ۱۸۸۳، شرکت در آزمون ورودی در قسطنطنیه و قبولی در آن؛ جولای همان سال: شروع کلاس‌ها؛ مواد درسی: ترکی، عربی، فارسی، یونانی و حقوق بین‌الملل، خواندن مقاله ماکیاوولی با صدای بلند؛ در اکتبر ۱۸۸۵ به عنوان دستیار به تسالونیک اعزام می‌شود.

فصل دوم: توصیف شهر تسالونیک از نظر جغرافیایی، تعداد جمعیت آن، تعداد اقلیت‌های قومی، مذهبی، توصیف این اقلیت‌ها، تاریخ ترکیه، وظایف خواص، مترجمان و کاتبان در کنسولگری، توصیف جامعه بریتانیایی آنجا، وظایف کنسولگری و کنسول و اخلاق و آداب وی، تفریحات کادر کنسولگری، توصیف خصوصیات اخلاقی جامعه ترکان، ناامنی موجود در حوالی شهر، تحقیق درباره عملیات روس‌ها در تبدیل یک صومعه به مقر نظامی و بازدید از آن، سرپرستی کنسولگری به علت بیماری جنرال کنسول (جان پلانت).

از نکات برجسته این فصل توضیحی است که وی در مورد رفتار جنرال کنسول به عنوان مأمور رفع سد معبر در شهر ارائه می‌دهد. جنرال کنسول با دکاندارانی که اجناس خود را در معبر

کتاب «یک کنسول در شرق» مشتمل بر خاطرات راتیسلاوا، کنسول انگلستان از وقایع سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۹۲۰ در ایالات تابعه امپراتوری عثمانی و ایران است

کنسولی، به عنوان کنسول بریتانیا در بصره انتخاب می‌شود. فصل هفتم: مشکلات موجود در کنسولگری قسطنطنیه، اختلافات بین پرسنل کنسولگری بریتانیا در قسطنطنیه و نحوه رسیدگی به آن‌ها، قتل عام ارامنه در سال ۱۸۹۶ در قسطنطنیه، ریشه‌ها و علل این کشتار و پیامدهای آن و تعداد کشتگان، کمیته تقسیم اعانه برای بازماندگان کشتار.

فصل هشتم: سفر پر مشقت دریایی در نوامبر ۱۸۹۸ به قسطنطنیه، توصیف شهر بصره و کانال‌های آن، شرکت‌های بریتانیایی، تجارت، تفریحات، غذاها، آب و هوا، کارکنان کنسولگری و جمعیت انگلیسی و خارجی منطقه، مسیون‌های مذهبی و مشکلاتشان، افتتاح ساختگی یک بیمارستان عثمانی، روحیات مقامات ترک منطقه، باورها و زندگی خانوادگی بعضی از آنان، رشوه خواری در گمرک بصره و مشکلات حاصله از آن، شیوه زندگی در بصره، خیابان‌های بصره، بیماری‌های موجود در آن‌جا و تجربه‌های وی به عنوان یک دستیار جراح.

فصل نهم: خلق و خوی عرب‌ها، فصل برداشت خرما و چگونگی آن، درگیری‌های شرکت‌های بریتانیایی برای صدور خرما، مشکلات موجود در رابطه با اعراب ایران و ترکیه، دیدار کشتی‌های جنگی از بصره و نام این کشتی‌ها، وضعیت شکار در حوالی بصره، رقابت‌های آلمانی‌ها با انگلیسی‌ها، چگونگی تحت‌الحمایه شدن کویت و مراقبت از شیخ مبارک حاکم کویت، مشکلات داخلی شیخ مبارک، حضور کشتی‌های جنگی روس‌ها در خلیج فارس و تحقیر انگلیسی‌ها، نحوه سلوک ارباب عرب نسبت به بردگان و مشکلات کنسولگری انگلیس در این رابطه، دیدار یک سیرک انگلیسی از بصره و مشکلات ایجاد شده از سوی ژنرال کنسول ایران برای سیرک و تخریب و بازسازی کنسولگری بریتانیا در بصره و خوشی‌ها و ناخوشی‌های آن.

فصل دهم: انتخاب شدن به عنوان ژنرال کنسول بریتانیا در تبریز در پاییز ۱۹۰۳/۱۲۸۲، مشکلات آمدن به تبریز، توصیف کنسولگری بریتانیا در تبریز، توصیف شخصیت ولیعهد (محمدعلی میرزا)، ملاقات با هیئت‌های سیاسی در محل، توصیف پاختیونف جنرال کنسول روسیه در تبریز، تعداد

جمعیت انگلیسی، وضعیت جغرافیایی، آب و هوا، محل‌های سکونت در حوالی آن، روحیات جنرال کنسول به نام هولم وود و کارمندان کنسولگری، وضعیت شغلی ملوانان انگلیسی و تعداد کشتی‌های بریتانیایی بازدیدکننده از ازمیر طی یک سال، قانون کشتی‌رانی بازرگانی و نحوه رسیدگی به امور ملوانان، اخلاق کارکنان کمپانی منحل لوانت، شیوه صحبت و لهجه اتباع انگلیسی ساکن در ازمیر، مشکلات کنسولگری با اتباع انگلیسی ساکن در ازمیر، علت وجود دادگاه‌های کنسولی در عثمانی از دیدگاه نویسنده، میزان اختیارات و نحوه تشکیل این دادگاه‌ها و نحوه دادرسی و صدور حکم و وظایف این دادگاه‌ها و توصیفات از جلسات آن‌ها، مشکلات و اختلافات موجود در رابطه بین ملوانان و ناخداها و نحوه رسیدگی به این اختلاف‌ها و وظایف کنسول‌ها در این باره، نوع رفتار ملوانان انگلیسی در شهر ازمیر، رشوه‌های پرداختی از سوی اتباع انگلیسی به مقامات ترک برای حل و فصل کارهایشان، ناامنی موجود در ازمیر، ورزش‌های موجود در ازمیر، امکانات تیراندازی در شهر، شیوه مقامات ترک در برخورد با راهزنان. راتیسلاوا بعد از چهار سال در ۱۸۹۲ به فیلیپوپولیس در بلغارستان می‌رود.

فصل ششم: تعداد جمعیت فیلیپوپولیس، وضعیت جغرافیایی آن، وضعیت راه‌ها، نوع محصولات کشاورزی، هیئت‌های کنسولی حاضر در محل، جمعیت انگلیسی و خارجی ساکن آن‌جا، رقابت‌های اقلیت‌های قومی و مذهبی و کدورت‌های آنان در آن‌جا، وضعیت معاش و زندگی مردم، تفریحات موجود، درآمد مردم، انواع شکار، جنگ روسیه و ترکیه و معاهده سن استفانو و کنفرانس برلین و وضعیت بلغارستان در نتیجه این کنفرانس، رقابت‌های روسیه و انگلیس در منطقه بالکان، توصیف اوضاع سیاسی بلغارستان، روحیه و اخلاق بلغاری‌ها، رقص ملی، بهداشت، انتخابات، ترورهای سیاسی، وضعیت هتل‌ها و مهمانخانه‌های بلغارستان، گردنه شیپکایس، دژ سنت نیکولا و بازمانده‌های جنگ روسیه - عثمانی، شهرهای گابروو، تیرنوو، صومعه ترویوان پس و راهبان آن‌جا. در پاییز ۱۸۹۸ بعد از شش سال اقامت در فیلیپوپولیس و ده سال تصدی مقام نایب



ستارخان



باقرخان

به گفته راتیسلو، جنرال کنسول انگلستان با دکاندارانی که اجناس خود را در معبر گذاشته بودند، برخورد کرده و حتی آنان را کتک می‌زده است که نشان‌دهنده اوج ضعف امپراتوری عثمانی در دهه‌های آخر عمر خود است

در مسیر بازگشت ارومیه، بیماری‌های مردم محلی، اعلام ایل بیگ زاده به داشتن تابعیت ترکیه، حملات نفوذی ترکیه به خاک ایران، آغاز انقلاب مشروطه در تهران، علل آغاز انقلاب به نظر کنسول، کمبود نان و بدی محصول سال ۱۹۰۵/۱۲۸۴، چگونگی شروع انقلاب مشروطه در تهران، مخالفت ولیعهد با مشروطه در تبریز و آغاز انقلاب در تبریز، بست در کنسولگری بریتانیا در تبریز، بسته شدن بازارها، تهدیدهای ولیعهد، درخواست ولیعهد از کنسول برای پایان بست در کنسولگری، تفرقه بین شیخ سلیم و میرهاشم دوچی، موافقت ولیعهد با اعطای مشروطه، حمله به میرهاشم از طرف مأموران امام جمعه، اخراج میرهاشم دوچی از تبریز و پیوستن به سلطنت طلبان و در نهایت اعدام وی در تهران، آمدن نظام‌الملک به جای نظام السلطنه، مرگ مظفرالدین شاه در ژانویه ۱۹۰۷/دی ۱۲۸۵، باور مردم ارومیه مبنی بر توزیع ۵۰۰ بار شتر از مشروطه، مخالفت جنرال کنسول روسیه با انقلاب مشروطه، رفتن ولیعهد به تهران و وداع او با انجمن تبریز، مذاکرات بریتانیای کبیر و روسیه و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ و برادری روسیه و انگلیس، تجاوزات روزافزون ترکیه و اعزام یک صاحب منصب ایرانی برای مذاکره در این باره به ترکیه، تشویق کردها به غارت از سوی ترکیه با اهداف خاص، آمدن فرمانفرما برای مقابله با کردان، بازگشت مجدالسلطنه، از تقلیس و حمله نظامی وی به کردان، دفاع ترکیه از کردان و شکست مجدالسلطنه، تشکیل یک کمیسیون با حضور نمایندگان

جمعیت انگلیسی‌ها و خارجیان در محل، مسیون‌های مذهبی، مقامات بانک شاهی، شرکت هند و اروپایی تلگراف، جمعیت تبریز، جغرافیای تبریز، باغ‌های آن، زبان محاوره مردم، ارگ، خلق و خوی تبریزیان، میرزاها و غلام‌های کنسولگری، سوواری‌های هندی، زندگی نظامی در ایران، مشکلات قضایی در ایران، کاپیتولاسیون، رقابت‌های روسیه و انگلیس، کشته شدن لاباری میسیونر مذهبی آمریکایی به دست سید غفار، درخواست دستگیری سید غفار به وسیله سفارت‌های بریتانیا و آمریکا در تهران، دستگیری سید غفار در ارومیه، توصیف ارومیه و تعداد جمعیت آن، مسیون‌های مذهبی موجود در ارومیه، تعداد نستوری‌های ایران و ترکیه، پرسیتاری‌ها، مورمون‌ها، طرفداران پاپ و غیره، کلاهبرداری‌های بعضی از مبلغین مذهبی، مشکلات کنسولگری‌ها با کردها.

فصل یازدهم: ملاقات کنسول با سرارتور هاردینگ، شیوع وبا و تعداد تلفات آن و علت شیوع آن، آمدن کنسول آمریکا از خارپوت به ارومیه برای پیگیری قتل لاباری و گرفتن مبلغ زیادی به عنوان خونیه، تبعید میرزا حسین آقا، دیدار سرکردگان ایل بیگ‌زاده از تهران، بست نشستن مجدالسلطنه حاکم ارومیه در کنسولگری انگلیس، پشتیبانی کنسولگری از مجدالسلطنه در برابر ولیعهد، رفتن مظفرالدین شاه به اروپا و رفتن محمدعلی میرزا به تهران، آمدن نظام السلطنه به جای ولیعهد به تبریز، قتل جعفرآقا در تبریز، فریب دادن مقامات و فرار رهبران کرد

روح طنز انگلیسی در کتاب راتیسلاو حکمفرماست و او تلاشی دارد در هر مسئله‌ای نکته مطایبه‌آمیز آن را دریابد و از آن زاویه به روایت واقعه بنشیند

صوفیان، مرند و جلفا به وسیله صمدخان، قساوت‌های صمدخان، آمدن آرتور مور خبرنگار انگلیسی مخالف با قرارداد ۱۹۰۷ به تبریز، توصیف منابع درآمد فداییان، گرفتن پول از بازرگانان به زور، شایعه بابی شدن مشروطه‌طلبان، حمله صمدخان به تبریز و شکست وی، آغاز انقلاب از بوشهر، مشهد، شیراز، همدان و بندرعباس، شروع قحطی در تبریز. غارتگری‌های رحیم خان، آرامنه بمب‌ساز و نقش آنان در جنگ‌ها، رفتن پاختونوف از ایران و ایجاد مزاحمت برای وی از سوی مشروطه‌طلبان، پیوستن آرتور مور به مشروطه‌طلبان، پیوستن هوارد باسکرویل به مشروطه‌طلبان، پیاده شدن یک صد ناوی بریتانیایی در بوشهر برای محافظت از خارجی‌ها در مقابل تنگستانی‌ها، حمله مور و باسکرویل به همراه گروهی از مشروطه‌طلبان ایرانی به قوای سلطنت‌طلبان و کشته شدن باسکرویل، آغاز مذاکرات آتش‌بس بین مشروطه‌طلبان و عین‌الدوله با پادریانی کنسول‌های روس و انگلیس، پایان محاصره تبریز، حمله مشروطه‌طلبان رشت و تبریز و اصفهان به تهران و تصرف آن و پناهندگی محمدعلی‌شاه به سفارت روس.

فصل سیزدهم: ترک ایران در بهار ۱۹۰۹ / ۱۲۸۸ و آمدن به کربت، توصیف اخلاق مردم کربت، سابقه تاریخی آن در دوره

ایران، ترکیه، روسیه و انگلیس برای فشار به باب عالی در جهت اجتناب از حمله به ایران، زورگویی ترکان به ایران در کمیسیون، آمدن ترکان تا ساوجبلاغ (مهاباد)، قتل عام وسیع روستاهای ایرانی از سوی ترکان، مشاجره کنسول با صاحب منصب ترک بر سر این واقعه، خطرتر بودن قتل دو بریتانیایی از کشتار چند صد ایرانی، پایان بدون نتیجه کمیسیون و بازگشت کنسول به تبریز.

فصل دوازدهم: محاصره تبریز، وضعیت پست، بریدن تیرهای تلگراف به وسیله کردان، درگیری مجلس و شاه، کودتای محمدعلی شاه در ژوئن ۱۹۰۸ / تیر ۱۲۷۷ بر ضد مشروطه، آغاز مسلح شدن مردم تبریز برای دفاع از مشروطه، آمدن رحیم خان به کمک سلطنت‌طلبان از قره داغ، آمدن عین‌الدوله با نیروی نظامی برای آرام کردن تبریز، آمدن ستارخان از قره داغ به یاری مشروطه‌طلبان، آمدن انقلابیون روسی از قفقاز به یاری مشروطه‌طلبان، آمدن آرامنه به یاری مشروطه‌طلبان در تبریز، انتشار اعلامیه‌ای مبهم از سوی شاه مبنی بر تشکیل نوعی مجلس مشورتی، عدم شمول عفو عمومی به تبریز، محاصره تبریز از سوی عین‌الدوله، حمله مشروطه‌طلبان به لشکر عین‌الدوله و شکست آن، به دست‌گیری شهرهای مراغه،

بخشی از مطالب کتاب، خاطرات نویسنده به عنوان جنرال کنسول بریتانیا در تبریز از ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۹ م. / ۱۲۸۲ - ۱۲۸۸ ه. ق است که دقیقاً با اوج حوادث انقلاب مشروطه در زمان مظفردالدین شاه و استبداد صغیر محمدعلی شاه همزمان است و در بردارنده اخبار زیادی به ویژه از حوادث آذربایجان در این دوره است

است. روح طنز انگلیسی در کتاب حکمفرماست و نویسنده تلاش دارد در هر مسئله‌ای نکته مطایبه‌آمیز آن را دریابد و از آن زاویه به روایت واقعه بنشیند. مطالبی که به ظاهر بسیار جدی می‌نماید، با کمی دقت بیشتر در معنا و مفهوم آن، طنز نهفته در آن هویدا می‌شود.

خواندن این کتاب بدون داشتن معلومات عمیق از فرهنگ و ادب و تاریخ بریتانیا به صورت خاص و اروپا به صورت عام ممکن نیست و بسیاری از نکات درک نخواهد شد.

در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که درباره انقلاب مشروطه بسیار گفته و شنیده شده، اما نکته‌ای که اغلب مغفول مانده است بررسی بی‌غرضانه نقش انگلیسی‌ها در این انقلاب است. گروهی انقلاب مشروطیت ایران را به کلی یک انقلاب ساخته و پرداخته انگلستان دانسته و عده‌ای دیگر آن را در تضاد کامل با منافع انگلستان قلمداد نموده‌اند. به نظر می‌رسد که این ادعاها احتیاج به بررسی بیشتری دارد. اما برای بررسی بیشتر، آن چه که بدان نیاز است حتی‌الامکان در اختیار داشتن شهادات همه شهود و روایت همه راویان است، شاید بسیاری از این روایت‌ها و اسناد درست و متقن نباشد و گوینده یا نویسنده آن مطالب نخواستگانه و یا نتوانسته باشد واقعه را به همان گونه که بوده ببیند و تصویر کند. لذا به نظر می‌آید که وظیفه اصلی و فوری ما در این برهه زمانی گردآوری، ترجمه، چاپ و چاپ مجدد همه اسناد و مدارک مربوط به موضوع است تا محققان بتوانند به آسانی به آن‌ها دسترسی داشته و تحقیقات خود را عمیق و دامنه ببخشند. از این نکته نباید غافل بود که اکنون در مراکز علمی جهان پیشرفته، حرکت عمومی به سوی ترجمه اسناد از زبان اصلی به زبان انگلیسی است تا همه محققان در سطح جهان بتوانند از آن‌ها بهره بگیرند، اما با توجه به کمبودهایی که داریم اکنون چاره‌ای جز آن نیست که این اسناد از زبان اصلی به فارسی ترجمه شود.

عثمانی، اداره شدن کورت از سوی چهار قدرت بریتانیای کبیر، فرانسه، ایتالیا و روسیه به نمایندگی از عثمانی، اصرار مردم کورت بر اتحاد با یونان و خارج شدن از سلطه عثمانی، اعلام پیوستگی کورت به یونان از سوی مجلس کورت، آب و هوای کورت، تفریحات موجود در کورت، مشکلات نمایندگان مسلمان در مجلس کورت، وضعیت سیاسی کورت، درگیری بین مسلمانان و مسیحی‌ها در کورت.

فصل چهاردهم: ادامه کورت، درگیری‌های کنسول‌ها با نمایندگان مجلس کورت، دستگیری گروهی از نمایندگان مجلس کورت، کشتن سه مسلمان در کورت و اتفاقات بعد از آن، دادن کورت به یونان از سوی عثمانی‌ها بر طبق قرارداد صلح، ترک کورت.

فصل پانزدهم: بازگشت به تسالونیک در هفته اول ۱۹۱۵، وضعیت جدید شهر، اخراج ترکان عثمانی از آن‌جا، وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی، وضعیت کنسولگری‌ها، اتفاق مثلث، اتحاد مثلث، بی‌طرف‌ها، آمدن واحدهای پزشکی بریتانیایی به تسالونیک برای اعزام به جبهه، پیاده شدن لشکرهای فرانسه و بریتانیا در تسالونیک در ۱۹۱۵، وضعیت سیاسی یونان و موضع‌گیری آنان نسبت به جنگ، بمباران تسالونیک، سقوط یک زپلین آلمانی به وسیله آتشبارهای کشتی‌های انگلیسی، شورش بر ضد کنستانتین شاه یونان، بیماری‌های مختلف در جبهه‌ها، آتش‌سوزی وسیع ۱۹۱۷ در تسالونیک و تقریباً نابودی تمام شهر، اعلامیه بالفور و شادی یهودیان، حمله نیروهای اتفاق مثلث به بلغارها در سپتامبر ۱۹۱۸، پایان جنگ جهانی اول در آن منطقه، مدتی اشتغال به کار در وزارت امور خارجه و در پایان اعزام به بیروت برای تصدی پست جنرال کنسول در آن‌جا.

این کتاب در زمانی بین ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۲ و ۲۵ مارس ۱۹۲۳ نگاشته شده است. نثر آن، نثر دوره ویکتوریاست و در جای جای آن نویسنده معلومات عمیق خود را از زبان انگلیسی، لاتین، فرانسه، ترکی، یونانی و احتمالاً فارسی و نیز ادبیات اروپا به رخ می‌کشد. شاید به خاطر آن که پدر نویسنده کشیش بوده، وی به خوبی با انجیل آشنا و اثرات این آشنایی در کتاب نمایان